

الگوی رفتاری جنبش‌های اسلامی شیعیان در عراق معاصر؛ همجوشی یا شکاف

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران	نیک صفت، محمدامین
استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران	حاجی ناصری، سعید
دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران	عرب، علی رضا

چکیده

تاریخ جنبش‌های اسلامی در عراق مسئله مهمی بوده است که پس از ورود استعمار غربی و نیروی‌های خارجی و بعدتر ظهور تروریست‌های سلفی و تکفیری علی‌الخصوص در سده اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. نهضت سیاسی شیعیان عراق که از سال ۱۹۱۴ م. با اشغال فاو و بصره شکل گرفت اهدافی از جمله مبارزه با اشغالگران خارجی، دیکتاتورهای داخلی و تروریست‌های مصلحت‌گرا را سرلوحه قرار داده است؛ اما در تشکیل یک ساختار باثبات همواره ناتوان بوده و فراز و فرودهای زیادی را تجربه نموده است. (مسئله)؛ این مقاله تلاش دارد با روش کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع موجود درباره این مقطع تاریخی و تحلیل اسنادی داده‌های مکتسب و با بهره‌گیری از نظریه تاریخ طبیعی انقلاب‌های کرین بریتون (روش)؛ به کشف الگوی رفتاری این جنبش‌ها در تاریخ عراق بپردازد. آنچنان که تحلیل وقایع تاریخی این دوره نشان می‌دهد، جنبش‌های مذکور در دوران وقوع بحران‌ها به یک اتحاد جمعی می‌رسند که با وام‌گیری از علم فیزیک به طور استعاری این پدیده همجوشی خوانده می‌شود و در دوران فائق آمدن بر بحران‌ها به جای ثبات، تحت تأثیر سلسله‌ای از عوامل، دچار اختلافات شدید شده و مبتلا به شکاف می‌شوند و مجدد چرخه‌ای از بحران در این کشور که به بی-ثباتی سیاسی می‌انجامد تکرار می‌گردد. (یافته‌ها)

کلیدواژه‌ها: جنبش‌های اسلامی، شیعیان عراق، الگوی رفتاری، شکاف، همجوشی.

دریافت: ۱۴۰۲-۰۱-۲۵

پذیرش: ۱۴۰۲-۰۳-۰۹

* نویسنده مسئول: amin1378.kartable@gmail.com

صفحات مقاله: ۱۳۳-۱۱۵

مقدمه

وقایع رخ داده در تاریخ عراق معاصر، علی‌الخصوص اتفاقات چند دهه اخیر، همواره آن را به بستری مناسب برای پژوهش از زوایای گوناگون تبدیل نموده است. صفت بی‌ثباتی، به‌ویژه در عرصه سیاسی، صفتی است که توسط صاحب‌نظران و محققان مختلف در رابطه با سرزمین عراق به کار برده می‌شود. نبود شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مناسب، در کنار شکنندگی دولت و ناکارآمدی آن از جمله مهم‌ترین دلایلی است که می‌توان در بیان چرایی بی‌ثباتی سیاسی در عراق به کار برد (ستوده و بدرآبادی، ۱۳۹۸). از دل بی‌ثباتی‌ها و همچنین رخدادهای متفاوتی چون مواجهه با استعمار و اشغال این سرزمین توسط نیروهای خارجی و بیگانه، بستری مناسب برای شکل‌گیری نهضت‌ها و جنبش‌های اسلامی و به‌طور خاص جنبش شیعیان در این کشور فراهم آمده است که هر کدام برای مقابله با وضعیت نامطلوب موجود در زمان خود و تلاش برای ایجاد اوضاع مطلوب شکل گرفته، به مبارزه پرداخته و ناکامی‌ها و کامروایی‌هایی را تجربه نموده‌اند.

از لحاظ تاریخی با تأسیس حکومت عثمانی در اواخر سده سیزدهم و اوایل سده چهاردهم میلادی در آسیای صغیر، عراق نیز تحت سیطره آن‌ها قرار گرفت. با آغاز دوران ضعف این حکومت و همچنین ورود آن به جنگ جهانی اول، جرقه‌های نخستین نهضت‌های سیاسی شیعی در عراق در سال ۱۹۱۴ م. زده شد. از این پس عراق شاهد دوره‌های مختلفی از حضور جنبش‌های سیاسی گوناگون در درون خود بوده است که با اهداف متفاوتی شکل گرفته‌اند. از مقابله با استعمار انگلستان در اوایل قرن بیستم گرفته، تا گسترش کمونیسم در بین اعضای جامعه عراق خصوصاً جوانان، سیاست‌های متعارض با سنت موجود در این کشور توسط دولت‌های نظامی نظیر دولت عبدالسلام عارف، سرکوب، فشار و دیکتاتوری نظامی صدام حسین و سقوط حکومت وی در پی اشغال این کشور به وسیله نیروهای خارجی، ناکارآمدی‌های دولت‌ها در زمینه‌های مختلف و ظهور گروه‌های تکفیری و تروریستی، همگی بزنگاه‌هایی بوده‌اند که بستری مناسب برای شکل‌گیری جنبش‌های سیاسی شیعی در عراق، فراهم آورده‌اند.

با توجه به تعدد تشکیل این جنبش‌ها در یک صد سال اخیر در مقاطع گوناگون، به نظر می‌رسد یکی از راه‌های مناسب برای تحلیل اتفاقات عراق در گذشته، حال و آینده منوط به شناخت تاریخ آن و توجه به الگوهایی از رفتار بازیگران مختلف در این بستر است. با این اوصاف سؤال اصلی این مقاله آن است که جنبش‌های سیاسی شیعیان در عراق معاصر به مثابه یکی از بازیگران مهم این کشور در عرصه سیاست از چه الگوی رفتاری‌ای تبعیت می‌کنند؟ برای پاسخ به این سؤال تلاش گردیده است تا با وام‌گیری از دو فرمول در علم فیزیک، یک مدل تحلیلی-استعاری به‌منظور تبیین الگوی رفتاری جنبش‌های سیاسی شیعی ترسیم گردد. از این‌رو از دو مفهوم شکاف و همجوشی هسته‌ای که هر یک از فرمولی خاص برخوردارند،

استفاده شده است. بر این مبنا فرضیه اصلی تحقیق آن است که جنبش‌های سیاسی شیعیان در عراق معاصر در وضعیت طبیعی و ثبات دچار حالت شکاف بوده و از الگوی رفتاری فیژنی تبعیت می‌کنند و بالعکس در حالت وقوع بحران و در صورت فراهم بودن عواملی چون فشار داخلی یا خارجی، الگوی رفتاری ایشان به حالت فیوژنی یا همجوشی تغییر می‌یابد. قرارگرفتن در هر یک از دو وضعیت مذکور، قادر است که سرانجام این جنبش‌ها را در توفیق یا عدم توفیق در نیل به اهداف خود نشان دهد. به‌منظور دست‌یافتن به این اهداف ابتدا تلاش می‌گردد با بیان تاریخچه‌ای از جنبش‌های سیاسی شیعیان در عراق ضمن آشنایی با فرایند شکل‌گیری، روند و سرانجام هر یک، سیمایی کلی از آن‌ها ارائه گردد. سپس با کشف همسانی‌های وقایع در بستر تاریخ با بررسی موردبه‌مورد وقایع ترسیم الگویی تحلیلی- استعاری برای نشان‌دادن الگوی رفتاری این جنبش‌ها در دستور کار قرار می‌گیرد. این الگوی رفتاری کمک شایانی به پیش‌بینی‌پذیری و تحلیل وقایع کشور عراق نموده و می‌تواند مسیر روشنی برای بازیگران اصلی این جنبش‌ها در کنش سیاسی خود برای دستیابی به وضع مطلوب با درس گرفتن از گذشته، ترسیم نماید.

روش تحقیق

اوکشات بیان می‌دارد که: «روش، نهادی سنتی یا کلاسیک دارای سه ویژگی توصیفی-استقرایی، رسمی-قانونی و تاریخی-مقایسه‌ای است» (Oakeshott, 1967:302). در این پژوهش به‌طور خاص به‌واسطه موضوع مورد بررسی ویژگی تاریخی-مقایسه‌ای روش جلوه بیشتری می‌نماید.

برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. در این روش با مراجعه به اسناد و منابع دسته اول سعی می‌گردد داده‌های مورد نیاز پیرامون یک موضوع جمع‌آوری شده و سپس با شیوه تحلیل اسنادی داده‌ها با توجه به هدف پژوهش نسبت به پالایش و تحلیل آن‌ها اقدام گردد.

چارچوب نظری؛ نظریه تاریخ طبیعی انقلاب‌های برینتون

برای ترسیم یک الگوی رفتاری و تطبیق آن با رفتار جنبش‌های سیاسی از چارچوب نظری تاریخ طبیعی انقلاب‌های کرین برینتون در کتاب *کالبدشکافی چهار انقلاب (۱۳۹۰)* استفاده شده است. وی از نوعی آزمایش علمی که در روش بالینی استفاده می‌شود، برای تهیه مدل تحلیلی خود پیرامون نشان‌دادن مراحل مختلف انقلاب‌های سیاسی در چهار کشور انگلستان، فرانسه، آمریکا و روسیه بهره می‌برد. از دید برینتون می‌توان چنین برداشت نمود که: ۱. پیش از وقوع جنبش‌ها و انقلاب‌ها روشنفکران و پیشوایان فکری جامعه بیعت خود را از نظم موجود برداشته و از آن جدا و خواستار اصلاح وضع موجود می‌شوند. ۲. کارگزاران نظم موجود اقدام به انجام اصلاحات، پیش از رسیدن بحران به مرحله انفجار می‌کنند. ۳.

اصلاحات کارگزاران نظم حاضر، معمولاً در فروزشاندن اعتراضات و مخالفت‌ها ناتوان بوده و این مسئله تبدیل به یک بحران سیاسی می‌گردد. این ناتوانی معمولاً در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی و نظامی خود را نشان می‌دهد و سقوط نظم موجود را تسهیل می‌نماید؛ بنابراین سقوط نظم فعلی و آغاز انقلاب از ضعف و یا شکست کامل دولت یا نظم مرکزی ناشی می‌شود. ۴. با سقوط نظم پیشین دوره‌ای از سرخوشی به نام ماه‌عسل انقلابیون در پی انسجامی که برای عبور از وضع نامطلوب وجود داشت، بوجود می‌آید. ۵. گروهی از میانه‌روها بر سر کار آمده و زمام امور را برای اصلاحات در دست می‌گیرند. ۶. این اصلاحات و سرعت آن اکثر گروه‌های انقلابی، علی‌الخصوص آن گروه‌هایی که جنبهٔ رادیکالی بیشتری دارند را به واکنش و مخالفت وامی‌دارد. ۷. دولت و کارگزاران میانه‌روی نظم جدید سقوط کرده و بر سر کسب قدرت میان گروه‌های مختلف تعارض و منازعات جدی بوجود می‌آید که خود را معمولاً در قالب کودتا، جنگ داخلی و ایجاد ائتلاف‌های متعارض نشان می‌دهد. ۸. سازمان‌یافته‌ترین گروه در بین گروه‌های انقلابی پیروز شده و عصر تندروی و وحشت که به عصر ترور نیز مشهور است بوجود می‌آید. ۹. دورهٔ تندروها باعث فرسودگی جامعه شده و پس از ناتوانی ایشان در دستیابی به آرمان‌ها و اهداف خویش دوره‌ای از استحاله و پرهیز تندروی توسط افراد عمل‌گرا و ضد رادیکالیسم موسوم به ترمیدور تشکیل می‌شود که ممکن است در صورت عدم موفقیت آن‌ها وضعیت به دوران نظم پیشین بازگردد (برینتون، ۱۳۹۰؛ گلدستون، ۱۳۹۲).

به نظر می‌رسد جنبش‌های اسلامی شیعیان در عراق نیز با پیروی از چارچوب بالا به وضعیت‌هایی از شکاف و همجواری دست می‌یابند و خصوصاً در مرحله ابتدایی، عواملی باعث نارضایتی و اتحاد آن‌ها جهت تغییر وضع موجود و در مرحلهٔ چهارم با مشکلاتی جدی و شکاف و افتراق در دستیابی به یک نظم مطلوب و جدید مواجه می‌گردند. با توجه به این چارچوب و مدل تحلیلی، تلاش شده با بررسی موردبه‌مورد وقایع تاریخی از سال ۱۹۱۴ م. تا عصر حاضر، همسانی‌های وقایع در طی تاریخ کشف شده و یک مدل تحلیلی-استعاری با کمک دو پدیدهٔ شکاف هسته‌ای^۱ و همجواری هسته‌ای^۲ در علم فیزیک برای دستیابی به الگوی رفتاری جنبش‌های سیاسی شیعیان در عراق معاصر ترسیم گردد، تا بدین وسیله علاوه بر تحلیل وقایع رخ داده در گذشته، بتوان از آن برای پیش‌بینی وقایع احتمالی که در آینده که امکان وقوع آن‌ها وجود دارد استفاده نمود.

Nuclear fission^۱

Nuclear fusion^۲

ادبیات پژوهشی

اصولاً عراق به دلیل آشفتگی‌های مستمر سیاسی همواره مورد توجه پژوهشگران قرار داشته است. با مراجعه به منابع موجود در کتابخانه‌ها و پایگاه‌های علمی به تعدادی از مهمترین منابعی که همواره مورد استناد محققان در باب این موضوع قرار گرفته است تلاش گردید که برای دستیابی به اهداف پژوهش حاضر از آن‌ها استفاده گردد. محمد صادقی تهرانی در کتاب *انقلاب اسلامی ۱۹۲۰ م. عراق و نقش علمای مجاهد در آن* (۱۳۵۸) و عبدالله فهید نفیسی در کتاب *نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق* (۱۳۶۴) واقعه تاریخی مهمی را که به «ثوره العشرتین» یا انقلاب ۱۹۲۰ م. نجف شهرت دارد به تصویر کشیده‌اند.

جویس آن. ویلی در کتاب *نهضت سیاسی شیعیان در عراق* (۱۳۷۲) با ذکر تاریخ عراق از فروپاشی عثمانی تا دهه پایانی حکومت صدام حسین، تلاش داشته تا روند نهضت‌های سیاسی شیعیان و ریشه‌های شکل‌گیری آن را نشان دهد و نیز تاریخچه‌ای از چگونگی شکل‌گیری «حزب الدعوه الاسلامیه» در عراق را تشریح می‌کند.

عبدالحلیم الرهیمی نیز در کتاب *تاریخ حرکت اسلامی در عراق* (۱۳۷۵) وقایع تاریخی عراق از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۲۴ م. را که در آن عراق با اشغالگری انگلیسی‌ها روبه‌رو شد، نشان می‌دهد. وی با بیان اتفاقاتی که در عراق در پی سیاست‌های دولت عثمانی رخ داد و مواجهه با استعمار انگلستان، تلاش می‌کند آن روند تاریخی‌ای را که به انقلاب ۱۹۲۰ م. نجف منجر شد به تصویر بکشد. همچنین صفاءالدین تبرائیان در مقاله‌ای تحت عنوان *قیام نجف علیه انگلیس* (۱۳۳۶ ه.ق / ۱۹۱۸ م.) و *تکوین «جمعیت نهضت اسلامی»* (۱۳۷۶) این موضوع را مورد توجه قرار داده است.

ولید حلّی نیز در مقاله *روزشمار انتفاضه شعبانیه* (۱۳۹۳) این واقعه مهم را که در سال ۱۹۹۰ م. علیه رژیم صدام اتفاق افتاد مورد بررسی قرار داده و ضمن نشان دادن نقش مهم آیت‌الله خوئی در آن، به ذکر عواملی که منجر به شکست این قیام گردید پرداخته است.

تورج افشون نیز در مقاله *حزب الدعوه و آمریکا: تعامل یا تقابل* (۱۳۹۵) به تاریخ حزب الدعوه پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ م. و شکل‌گیری جمهوری عراق و روند دموکراتیک تشکیل دولت پرداخته و چالش‌ها و وقایع رخ داده در زمان تصدی نوری المالکی بر مقام نخست‌وزیری را نشان می‌دهد و کیفیت رابطه دولت عراق و حزب الدعوه و افراد حاضر در آن را با ایالات متحده آمریکا شرح می‌دهد.

حاجی یوسفی و حسین زاده نیز در مقاله *شکندگی دولت و نابسامانی جامعه در عراق؛ بستری برای بحران امنیتی ظهور و گسترش داعش* (۱۳۹۷) تلاش نموده‌اند ریشه‌های اجتماعی و سیاسی‌ای را که از دل نظریه دولت‌شکننده استخراج شده و منجر به ظهور و قدرت‌گیری داعش در منطقه موصل گردیده است نشان دهند. عطاالله مقدم‌فر نیز در مقاله

بررسی دلایل ایجاد و تداوم بحران در عراق با تأکید بر پیشینه ظهور داعش (۱۳۹۷) با بررسی روندهای امنیتی در عراق کنونی و متغیرهایی چون سوابق تاریخی و تعارضات هویتی نظیر اختلافات میان اقوام، مذاهب و بافت‌های اجتماعی عراق در پی یافتن علل تداوم بحران‌ها و ناامنی‌ها در عراق کنونی است.

تاریخ جنبش‌های سیاسی شیعیان در عراق

عراق و جنگ جهانی اول:

آغاز جنگ جهانی اول را شاید بتواند نقطه آغاز حرکت سیاسی جنبش‌های سیاسی شیعی در عراق دانست. جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ م. با ترور نایب‌السلطنه اتریش-مجارستان و همسرش در سارایوو آغاز گردید و نتایجی چون نابودی نخبگان، امپراتوری‌ها و شیوه‌های سنتی زندگی را در پی داشت (تیلور، ۱۳۹۹؛ آرمستو، ۱۴۰۰). منطقه جنوب غرب آسیا نیز به دلایل مختلفی از جمله دخیل شدن امپراتوری عثمانی در قوای متحدین به یکی از میادین اصلی جنگ تبدیل شد. وضعیت این منطقه طی سال‌های قرن نوزدهم و بعدتر در قرن بیستم در رقابت با قدرت‌های غربی وضعیت مساعدی نبود (فرامکین، ۱۳۹۹: ۲۹-۳۱).

یکی از مناطقی که در خاورمیانه وقایع زیادی را در جریان جنگ جهانی اول پشت سرگذاشت عراق بود. پس از تسلط عثمانی بر عراق، به دلیل مسائلی چون نژاد عرب مردمان و وجود تعداد زیادی از شیعیان در آن، این سرزمین همواره از کمترین خدمات دولت عثمانی بی‌بهره بود. آغاز عصر تنظیمات و اصلاحاتی که در نیمه دوم قرن نوزدهم توسط مدحت پاشا در عثمانی و کمی بعدتر در عراق رخ داد موجی از نارضایتی‌ها را در این منطقه بوجود آورد و ارتباطات عراقی‌ها با ترکان عثمانی را که بیشتر رنگ مذهبی داشت رفته‌رفته کم‌رنگ ساخت (ویلی، ۱۳۷۲: ۲۹-۳۱).

قیام ۱۹۱۴ م. و انقلاب ۱۹۲۰ م. نجف

«در ششم نوامبر ۱۹۱۴ م. یک گردان از لشکر شانزدهم به فرماندهی ژنرال دلامین وارد بندر فاو شد و طی چند دقیقه پرچم انگلستان به جای پرچم عثمانی در نقاط مختلف آن به اهتزاز درآمد. این عمل نشانه صدور فرمان شروع عملیات نظامی در عراق بود. در بیست و سومین روز از ماه نوامبر انگلیسی‌ها بصره را نیز به اشغال خود در آوردند» (نفیسی، ۱۳۶۴: ۷۱). اشغال بصره احساسات و غرور عراقی‌ها را جریحه‌دار ساخت و به شکل‌گیری تحرکات و جنبش‌هایی در اقصی نقاط آن منجر شد. شکل‌گیری گروه‌هایی نظیر «حرس الاستقلال» در بصره که گروهی شیعی-سنی به حساب می‌آمدند و امثال سید محمد حسن الصدر از علمای مشهور در کاظمین و علی البازرگان از سنی‌های عثمانی عضو آن بودند نمونه‌ای از این خروش علیه انگلیسی‌ها به شمار می‌رفت. این مسئله با فتوای علمایی چون

آیت‌الله محمدتقی شیرازی نیز همراه شد و در آن به این موضوع اشاره گردید که هیچ‌کس جز مسلمانان حق ندارد بر مسلمانان حکومت کند (ویلی، ۱۳۷۲: ۳۳-۳۴).

افرادی نظیر مهدی الحیدری و آیت‌الله محمد سعید الحویبی و شیخ مهدی الخالصی جبهه‌هایی متشکل از مجاهدین بسیار را به‌دور خود گردآورده و اقدام به مقابله با قوای اشغالگر انگلیس به همراه ارتش عثمانی کردند، اما عدم آمادگی ترکان عثمانی در مقابله با انگلیسی‌ها موجب شکست عراقی‌ها در برابر آن‌ها در منطقه شعیبیه شد که این موضوع با شکستن هیمنه شکست‌ناپذیری ارتش عثمانی همراه گردید و به اذعان نفیسی (۱۳۶۴) شرایط تمرد و عصیان و گریز از اقتدار دولت مرکزی عثمانی را در عراق پدید آورد. از سوی دیگر اجرای قانون خدمت اجباری سربازی و سخت‌گیری در اجرای آن، افزایش مالیات‌ها و بی‌حرمتی به مرقد مطهر حضرت علی (ع) در نجف، موجی عمیق از نارضایتی‌ها نسبت به دولت عثمانی را به وجود آورد و همین مسئله موجب قیام در نجف و سایر شهرهای شیعه‌نشین نظیر کربلا، کوفه و حلّه گردید که واحدهای نظامی و ادارات دولتی ترک از این شهرها اخراج شدند. حرکت شیعیان به اینجا محدود نشد و در قالب حملات غافلگیرانه به قوای اشغالگر انگلیس ادامه یافت. در این زمان انگلیسی‌ها که در پی تسخیر کامل عراق را در بودند، به بغداد حمله کردند و در سال ۱۹۱۶ م. آنجا را به تصرف خویش در آوردند. آن‌ها با ایجاد تفرقه در شهر نجف و دمیدن در آتش اختلافات کهنه عشیره‌ای مثل درگیری میان دو عشیره رقرت و شمرد و ایجاد چنددستگی‌ها، قیام مذکور را سرکوب کرده و فردی به نام حمید خان که از نوادگان آقاخان اسماعیلی از هند بود را روی کار آوردند. همچنین برای برقراری نظم از افراد قبیله‌ای سنی به نام شبانه استفاده کردند که رفتارهای این مأمورین، نارضایتی‌های زیادی را پدید آورد. تلاش‌های انگلیسی‌ها برای استقرار یک دولت تحت‌الحمایه به‌وسیله برگزاری رفراندوم در عراق در سال ۱۹۱۹ م. به صورت غیرمنتظره‌ای، با مقاومت شدید علمای شیعی نظیر آیت‌الله محمدتقی شیرازی مواجه شد و زمینه‌های ثوره العشرتین یا انقلاب ۱۹۲۰ م. نجف را در عراق فراهم نمود (تبرائیان، ۱۳۷۶؛ ویلی، ۱۳۷۲؛ نفیسی، ۱۳۶۴).

در رمضان ۱۳۳۸ ه.ق. (ژوئن ۱۹۲۰ م.) آیت‌الله شیرازی بیانیه‌ای کلی خطاب به عراقیان صادر نمود و خواستار استقلال عراق و برقراری حکومت اسلامی گردید (صادقی، ۱۳۵۸: ۵۴-۵۵). در پی صدور این پیام در شهرهای کربلا و حلّه مواجهه خونینی با نیروهای اشغالگر شکل گرفت و همین روند در کربلا تشدید یافت و اهالی مناطق مختلف عراق از جمله مناطق فرات توسط علما به ادای فریضه دفاع از حوزه دین و قیام علیه اشغالگران به واسطه نمایندگان علما دعوت شدند. همچنین علمای سایر شهرهای مذهبی نظیر کاظمین و بغداد نیز با این مسئله همراهی کرده و حرکات وحدت‌آمیزی بین شیعه و سنی، به تشویق مراجع شیعی به راه افتاد. پس از صدور فتوای آیت‌الله شیرازی بر وجوب مطالبه حقوق بر همه عراقی‌ها در ۲۹ ژوئن ۱۹۲۰ م. در منطقه المشخاب شروع انقلاب

اعلام گردید و سوم ژوئیه به عنوان تاریخ آغاز انقلاب در الرمیته مقرر شد. با شروع قیام در الرمیته خسارات زیادی به تجهیزات انگلیسی‌ها از جمله خطوط ارتباطی و راه‌آهن وارد گردید و افسران رابط انگلیس از بیشتر قصبات و روستاها اخراج شدند و به تدریج این حرکت کلیه شهرهای فرات مرکزی را در بر گرفت. در اوت ۱۹۲۰ م. آیت‌الله شیرازی وفات یافت و آیت‌الله شیخ‌الشریعه اصفهانی به جای وی اداره امور انقلاب را بر عهده گرفت. در اواخر اوت که انقلاب در اوج اقتدار بود از سوی انگلیسی‌ها نامه‌ای با محتوای پیشنهاد مذاکره ارسال شد که همین موجب دودستگی شدید میان انقلابیون گردید. دسته اول از جمله آیت‌الله شیخ‌الشریعه مخالف مذاکره اما امثال الجزیری و جواهری موافق آن بودند که جریان اول توفیق یافت. در نهایت فشار همه‌جانبه انگلستان و بهره‌گرفتن از کمک‌های هند و نیروی هوایی برای شناسایی، نجف محاصره شد و این محاصره در نهایت به یک آتش‌بس در ۲۰ نوامبر ۱۹۲۰ م. انجامید و بدین ترتیب به پایان ثوره العشرتین یا انقلاب ۱۹۲۰ م. نجف منجر شد (الرهمی، ۱۳۷۵: ۲۱۵-۲۲۱).

نهضت اسلامی شیعیان بعد از انقلاب ۱۹۲۰ م. نجف تا کودتای بعثی‌ها

ملک فیصل اول با کمک انگلیسی‌ها در ۱۹۲۱ م. به قدرت رسید. انگلیسی‌ها مقرر داشته بودند که تمامی اعضای کابینه باید با تأیید آن‌ها بر سر کار آیند. کابینه وی عاری از اعضای شیعی بود و ملک فیصل هاشمی می‌دانست که بدون شیعیان قادر به اداره امور نیست، از این رو شخصی به نام سید باقر احمد الحسنی را در جامعه شیعی برای حفظ ارتباط با ایشان تعیین کرد. از سوی قانون خدمت اجباری سربازی برای دستیابی به ارتش قوی هم نارضایتی شیعیان را در پی داشت. اما چیزی که در این برهه وجود داشت، کناره‌گیری علمای بزرگ نظیر آیت‌الله ابوالحسن اصفهانی از سیاست بود. اکثر علما به تدریس در حوزه‌های علمیه پرداخته و مشغول به حمایت از فقرا برای افزایش رفاه ایشان شدند. همچنین موج نوسازی وارد حوزه آموزش شد و استقبال مردم عراق را از مدارس نوین در پی داشت. گسترش سوادآموزی، فاصله‌گرفتن علما و جامعه از یکدیگر را در پی آورد و این، فرصت خوبی را برای احزاب کمونیست و ناسیونالیست‌های عرب پدید آورد که نسبت به جذب طرفدار برای خود اقدام نمایند. در این هنگام رابطه شیعیان و دولت عراق نیز نامساعد و اقدام دولت برای روی کار آوردن نخست‌وزیری شیعی برای جلب حمایت شیعیان موفقیت‌آمیز نبود. همچنین ناتوانی دولت هاشمی بر سر قضیه فلسطین، وجهه آن را بیش از پیش خدشه‌دار کرد. با درگذشت آیت‌الله اصفهانی در اواخر دهه ۱۹۴۰ م. و تبدیل شدن آیت‌الله بروجرودی به مرجعیت اعلای شیعیان در قم طی کنفرانسی که در قم ترتیب داده شد، بر مسئله عدم دخالت روحانیون در سیاست در آن زمان تأکید گردید (ویلی، ۱۳۷۲).

گسترش روزافزون کمونیسم علی‌الخصوص در مدارس و دانشگاه‌های نوین، علما و همین‌طور انگلیسی‌ها را به فکر انداخت و آن‌ها را به تقلا و ادار ساخت، به‌طوری‌که شیخ

محمد الخالصی که در پی انقلاب نجف توسط انگلیسی‌ها تبعید شده بود، به دلیل مواضع ضد کمونیستی‌ای که داشت، به نجف بازگردانده شد. از اواخر دهه ۱۹۵۰ م. با کودتاهای متعدد و روی کار آمدن نظامیان سوسیالیست و ناصریست روبه‌رو هستیم. ابتدا کودتای ۱۹۵۸ م. عبدالکریم قاسم و بعد سرکوب خشونت‌بار وی با کودتای ۱۹۶۳ م. عبدالسلام عارف رخ داد. در ۱۹۶۶ م. عارف در حادثه‌ای هوایی کشته شد و برادرش عبدالرحمن عارف روی کار آمد که وی نیز در ۱۹۶۸ م. در طی کودتای بعثی‌ها به‌وسیله حسن البکر و صدام حسین التکریتی سرنگون گردید. دولت عارف که سیاست‌های سوسیالیستی را در پی گرفته بود، پایگاهی میان شیعیان نداشت. گسترش کمونیسم طی دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ م. موجب شد آیت‌الله محمدباقر صدر برای مقابله با اشاعه آن، اقداماتی از قبیل تأسیس مدارس جدید، همچنین نفوذ در دانشگاه‌های عراق را انجام و گفتمان سیاسی اسلامی را در برابر گفتمان چپ سامان دهد. از سویی دولت عارف سیاست اصلاحات ارضی را پی گرفت که می‌توانست ضربه‌سختی بر بیکری جامعه شیعیان وارد آورد. سیاست‌هایی چون برابری زنان و مردان و ارث‌بردن زنان که مخالف سنت‌های رایج در عراق بود، خود موجی از مخالفت‌ها را در پی داشت و زمینه‌های شکل‌گیری «حزب الدعوة الاسلامیه» را پدید آورد. آیت‌الله صدر در مصاحبه‌ای اعلام کرد که «الدعوه» یعنی دعوت به اسلام و بازگشت روح اسلامی به حیات عراقی‌ها. تشکیل این حزب با مخالفت دولت روبه‌رو شد و در همین زمان آیت‌الله حکیم هم در جهت مقابله با چپ‌ها وارد شد و به مخالفت با سیاست‌های دولت پرداخت. در ۱۹۶۰ م. آیت‌الله بروجردی نیز با سیاست اصلاحات ارضی محمدرضا پهلوی به مخالفت برخاست و آن را مصداق بارز نقض مالکیت خصوصی افراد دانست که با اسلام منافات دارد. آیت‌الله بهبهانی نیز با این جریان هم صدا شد و همین بر حمایت بیشتر شیعیان از حزب الدعوة انجامید. همچنین تأکید علما بر مقوله عدالت اجتماعی به مثابه رکنی مهم در اسلام خود بر جذب اقشار جوان جامعه، اثرات مثبتی داشت. احزابی چون اخوان المسلمین و التحریر الاسلامی عراق نیز با نهضت الدعوة همراه شدند و اتحادی به نام حزب اسلامی در آوریل ۱۹۶۰ م. شکل گرفت. صدور فتوایی توسط شیخ مرتضی آل یاسین دایی محمدباقر صدر و میرزا مهدی شیرازی علیه کمونیسم، نظیر ارتداد و ممنوعیت معامله با آن‌ها، فشارهای زیادی بر دولت عارف وارد آورد که منجر به تسلیم وی در برابر خواسته‌های ایشان گردید.

در اینجا نیز مجدد شاهد بروز اختلافاتی بین علمای نجف هستیم که برخی از آن‌ها با اندیشه‌های محمدباقر صدر به مخالفت برخاستند. همچنین بر سر لزوم ادامه حضور علما در سیاست نیز تعارضات زیادی وجود داشت و برخی از علما قائل به کناره‌گیری بودند که منجر به بروز چنددستگی‌هایی در بین نهضت شیعیان گردید. از سویی اعلام غیرقانونی بودن حزب اسلامی توسط دولت در پی خواسته‌ها و فشارهای حزب بر دولت، انشعاباتی در آن پدید آورد. شاید همین مسئله را بتوان عامل مهمی دانست که بعثی‌ها در مقابله با دولت عارف نسبت به جریانات شیعی دست بالاتر را داشته باشند و موفق به سرنگونی آن در ۱۹۶۸ م.

گردند (ویلی، ۱۳۷۲؛ الرهیمی، ۱۳۷۵). در اینجا نیز شاهد حضور یک عامل خارج از مذهب یعنی کمونیسم هستیم که نقش مهمی در حضور علما در جریان‌ات سیاسی ایفا نموده و نیروی لازم برای اتحاد میان گروه‌های شیعی و همجواری ایشان را پدید آورد. بلافاصله پس از توفیق در عقب نشاندن دولت عارف در اجرای سیاست‌هایش، شاهد بروز اختلاف میان مراجع در سیاست هستیم که به شکاف در نهضت منجر شد.

انتفاضه شعبانیه، سرنگونی صدام و روی کار آمدن دولت شیعی و ظهور داعش

با روی کار آمدن حسن البکر در ۱۹۶۸ م. دور جدیدی از فشارها علیه نهضت‌های سیاسی شیعی آغاز شد. در این دوره صدام حسین معاون رئیس‌جمهور و نفر اول دولت بود. همچنین به دلیل اختلافات عراق و ایران بر سر اروندرود، حسن البکر تلاش کرد تا علمایی چون آیت‌الله حکیم را به منظور بسیج افکار عمومی علیه شاه و دولت ایران با خود همراه کند، اما آیت‌الله حکیم با آن مخالفت کرد. فشارهای دولت بر شیعیان تشدید یافت. هم دانشگاه نجف بسته شد و هم محدودیت‌های شدیدی به منظور ورود زوار ایرانی اعمال شد. همین مسئله منجر به برگزاری یک راهپیمایی به وسیله اتومبیل از نجف به بغداد توسط آیت‌الله حکیم گردید. انتفاضه‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۹ ه.ق. (۱۹۷۷ م. و ۱۹۷۹ م.) توسط دولت سرکوب گردید. در ۱۹۷۹ م. آیت‌الله محمدباقر صدر به همراه خواهرش بنت‌الهدی صدر دستگیر شدند و هر دو در مارس ۱۹۷۹ م. اعدام گردیدند. در همین ایام بود که حسن البکر زندانی و مجبور به استعفا گردید و صدام قدرت را دست گرفت (ویلی، ۱۳۷۲).

حمله به ایران در دهه ۱۹۸۰ م. و بعدتر حمله به کویت در اوت ۱۹۹۰ م. به منظور دستیابی به ثروت عظیم کویت توسط صدام صورت گرفت. با این حال جامعه بین‌المللی نسبت به حمله به کویت واکنش نشان داده و نیروهای آمریکایی به نیروهای عراقی در کویت حمله نموده و آن‌ها را از مرزهای کویت عقب راندند. همین مسئله و فشار اقتصادی به عراق و نابودی زیرساخت‌های این کشور طی دو جنگ طولانی، نارضایتی عمومی را در برداشت. از این رو در مارس ۱۹۹۱ م. با شلیک یک توپ تانک توسط ارتشیان ناراضی ملحق شده به مردم، به تصویر صدام حسین در بصره، انتفاضه شعبانیه آغاز گردید و به تدریج شهرهای شیعه‌نشین بصره، ناصریه، کربلا، نجف و عماره را در برگرفت و کنترل آن به دست انقلابیون افتاد. کردها نیز از شمال قیام و کنترل این منطقه را از دست صدام خارج نمودند. ممنوعیت پرواز نیروهای عراقی طی آتش‌بس با آمریکایی‌ها نقش زیادی در توفیق انتفاضه در مراحل اولیه داشت. با این حال نقش عمده آیت‌الله خویی در این انتفاضه غیرقابل‌انکار بوده و عملاً ایشان رهبری این جنبش را به دست گرفتند، اما نیروهای صدام پس توافق با آمریکایی‌ها توانستند از برتری هوایی خود استفاده کنند و به سرکوب شدید انقلابیون بپردازند. در بیست و یکم شعبان با دستگیری آیت‌الله خویی عملاً انتفاضه شکست خورد. (قزوینی حائری، ۱۳۹۰: ۶۱-۵۰). ترس و وحشت مردم، نبود برنامه‌ریزی در انتفاضه، تخریب زیرساخت‌ها، کمک دولت‌ها به صدام و خیانت برخی گروه‌های سیاسی، مهم‌ترین عوامل شکست انتفاضه

شعبانیه تلقی می‌گردد. ایجاد چنددستگی‌ها به وسیله دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم بعث هم نقش مهمی در سرکوب قیام داشت (حلی، ۱۳۹۳: ۱۱۷-۱۳۰).

فشار و سرکوب رژیم صدام علیه جنبش‌های شیعی تا زمان سرنگونی در سال ۲۰۰۳ م. در پی حمله آمریکایی‌ها به وی ادامه یافت. این حمله برق‌آسا که بدون موافقت شورای امنیت سازمان ملل و با همکاری انگلستان توسط آمریکایی‌ها صورت گرفت منجر به بروز تحولات زیادی در منطقه خاورمیانه و آینده کشور عراق از جمله ورود ساز و کارهای دموکراتیک در انتخاب مقامات کشوری و موج جدیدی از سلفی‌گری و ظهور گروه‌های تروریستی در این کشور گردید (بهمنش، ۱۳۹۷).

در سال ۲۰۰۵ م. و برگزاری انتخابات در عراق همه شاخه‌های حزب الدعوه در ائتلاف ملی و متحد عراق شرکت کرده و ابراهیم الجعفری به نخست‌وزیری رسید. برکناری رژیم صدام منجر به اتحاد گروه‌های عراقی در همان ابتدای کار گردید؛ اما پس از آنکه دولت شیعی قدرت را در دست گرفت، رفته‌رفته اختلافات بر سر مسائل مختلف آغاز گردید. در سال ۲۰۰۷ م. «حزب الدعوه-مقرالعالم» کنگره‌ای عمومی برگزار کرد و اساسنامه خود را تغییر داد و سیستم دبیرکلی جایگزین حالت شورایی شده و نوری المالکی دبیرکل حزب گردید که با مخالفت الجعفری روبه‌رو و به استعفای وی انجامید. از آن سوی گروه‌های دیگری نظیر مجلس اعلای عراق توسط خاندان حکیم و جریان صدر به رهبری مقتدی صدر شکل گرفت که هریک در انتخابات‌های مختلف شرکت داشتند و با یکدیگر ائتلافاتی را تشکیل می‌دادند، اما این ائتلاف‌ها پایدار نبود. نخست‌وزیری مالکی و برخی سیاست‌هایش، ناتوانی وی در مواجهه با آمریکایی‌ها و همچنین عدم توانایی در مقابله با تروریست‌ها، موجی از مخالفت‌ها را علیه وی برانگیخت. همچنین دولت مالکی، از همراه ساختن کردها و سنی‌های عراق با خود ناکام ماند. این مسائل موجب شد که با خروج تدریجی نیروهای آمریکایی از عراق در سال ۲۰۱۱ م.، دولت عراق نتواند استیلای تام و حاکمیت تمام بر سرزمین خود را حفظ نماید و ظهور داعش از سال ۲۰۱۴ م. قدرت دولت را نابود نماید (افشون، ۱۳۹۵: ۷۳-۱۱۴؛ حاجی‌یوسفی و حسین‌زاده، ۱۳۹۷: ۳۵-۶۷).

«داعش را می‌توان مولود نامبارک تهاجم نظامی ارتش آمریکا و انگلیس به عراق نامید که با شکار مبارزه با آمریکا تلاش کرد به دامن زدن به تبلیغات دروغین-من مذهبی و مظلوم‌نمایی، به عنوان جایگزین نیروهای اشغالگر آمریکایی در عراق به آمل خود مشروعیت و تأسیس دولت به اصطلاح اسلامی شام و عراق را رسمیت بخشد» (مرادی حقیقی و ملکوتیان، ۱۳۹۸). در همان ابتدا داعش به سرعت توانست مناطق وسیعی از شمال عراق از جمله سامرا، نینوا و موصل را به تسخیر خویش در آورد. دولت عراق نیز در این مواجهه با یک سردرگمی روبه‌رو گردید تا اینکه در جلسه‌ای دولت عراق لزوم تشکیل نیروی بسیج مردمی یا حشدالشعبی را اعلام کرد و در پی آن در خرداد ۱۳۹۳ ه.ش. (۱۳ ژوئن ۲۰۱۴) فتوای آیت‌الله سیستانی مرجعیت اعلای عراق در مبارزه با داعش و واجب کفایی بودن این

مبارزه صادر شد. همچنین سایر نیروهای عراقی نظیر جنبش النجباء، اصائب اهل الحق، سرايا السلام وابسته به جریان صدر، سپاه بدر و... همگی در جهت مبارزه با داعش بسیج شدند. در اینجا مجدد نقش نیروی خارجی داعش و همین‌طور ورود مرجعیت اعلا در مواجهه با این بحران موجب اتحاد گروه‌ها و جنبش‌های مختلف شیعی گردید. پس از مهار خطر داعش در اتحاد گروه‌های مختلف شیعی با کمک ایران، و روی کار آمدن دولت عادل عبدالمهدی مجدد زمینه‌های بروز شکاف بین گروه‌های مختلف عراقی پدید آمد. اعتراضات در اکتبر ۲۰۱۹ م. آغاز گردید. مهم‌ترین محورهای اعتراضات فساد گسترده و ناکارآمدی دولت اعلام گردید، همچنین ادعای مداخله ایران در عراق نیز مطرح شد. این حرکت که در قالب اعتراضات، اعتصابات، تحصن و... ادامه یافت و سرانجام پس از زد و خورد میان نیروهای امنیتی عراق و معترضان و کشته شدن ۴۴ نفر با استعفای عادل عبدالمهدی خاتمه یافت. جنبش مذکور به «ثوره التشرین» مشهور گشت. با استعفای عادل عبدالمهدی، هادی الکاظمی روی کار آمد. نقش جریان صدر به رهبری مقتدی صدر در این ماجرا بسیار پررنگ بود. همچنین دعوت به آرامش مردم عراق و لزوم پاسخ‌گویی دولت به مردم که توسط آیت‌الله سیستانی مطرح گردید در حل این بحران نقشی عظیمی ایفا کرد.

مدل تحلیلی الگوی رفتاری جنبش‌های سیاسی شیعیان در عراق

برای درک بهتر الگوی رفتاری جنبش‌های سیاسی شیعی در عراق بهتر است به مفهوم «Other» یا دیگری و نقش مهم آن در الگو و شیوه رفتاری این کنشگران اشاره نمود. بسیاری از صاحب‌نظران عرصه علوم اجتماعی نظیر ماکیاولی و مونتسکیو، به ضرورت وجود دشمن یا عاملی خارجی در جهت وحدت و انسجام ملی و درونی توجه نموده‌اند. آن‌چنان‌که احمدی (۱۳۹۳) اشاره می‌کند، نهضت‌های اسلامی در دوران معاصر «دیگری» خود را نه در میان حکام و امرای محلی بلکه در جهان غرب و عوامل وابسته به آن جست‌وجو می‌کنند. (احمدی، ۱۳۹۳: ۲۶) به نظر می‌رسد کشور عراق و جنبش‌های سیاسی شیعی در عراق از این قاعده مستثنی نیستند. برای تبیین بهتر موضوع تلاش می‌گردد با وام‌گرفتن مفاهیم فرایند شکاف (فیژن^۱) و فرایند همجوشی (فیوژن^۲) از علم فیزیک با عنایت به سیر تاریخی و کنش‌ها و واکنش‌های بازیگران جنبش‌های سیاسی شیعی در عراق به یک مدل استعاری برای ترسیم الگوی رفتاری این کنشگران در عصر حاضر دست‌یافت.

شکافت هسته‌ای یا فیژن هنگامی اتفاق می‌افتد که نوترون با هسته برخی از اتم‌های سنگین برخورد می‌کند. این فرایند باعث می‌شود که هسته اصلی به دو یا چند عنصر نامساوی تقسیم شود. بیشتر انرژی شکاف به انرژی جنبشی تبدیل می‌گردد. وقتی هسته‌ای با عدد اتمی

^۱ Fission
^۲ Fusion

زیاد شکافته شود، بر پایه فرمول انیشتین، مقداری از جرم آن به شکل انرژی جنبشی آزاد می‌گردد. در مقابل شکاف فرایند همجوشی یا فیوژن قرار دارد. این موضوع به این دلیل است که جرم هسته تولیدی کمتر از جرم دو هسته‌ای است که باهم ترکیب شده‌اند؛ به این معنا که بخشی از جرم به انرژی تبدیل شده است. انرژی تولید شده ناشی از همجوشی بسیار زیاد بوده به نحوی که آن را در قالب پلاسما کنترل می‌کنند. در فرایند همجوشی هسته‌ای، هسته‌های سبک مانند هیدروژن، دوتریوم و تریتیوم با یکدیگر جوش داده می‌شوند و هسته‌های سنگین‌تر و مقداری انرژی تولید می‌شود.

در حالت شکاف متغیر کنشگران یا اتحادیه جنبش‌های سیاسی شیعی (N₁) در شرایط ترکیب با متغیر شرایط ثبات حاصله پس از پیروزی (N⁰) دچار چنددستگی شده و ساختار وحدت‌آمیز نهضت سیاسی شیعیان از بین رفته (1/2n₁ + 1/2n₁) و درگیری و اختلافات شدیدی (fission power) میان این جنبش‌های سیاسی ایجاد می‌گردد؛ بنابراین همان‌طور که گفته شده جنبش‌های سیاسی شیعی در عراق در حالت طبیعی در وضعیت فیژنی یا شکاف قرار دارند.



*فرمول الگوی رفتاری جنبش‌های سیاسی شیعیان عراق در حالت فیژنی یا

اما این تنها حالت پایدار الگوی رفتاری این جنبش‌ها نیست. به نظر می‌رسد حالت دومی نیز در برابر وضعیت شکاف یا فیژنی وجود دارد که همانا حالت همجوشی یا فیوژنی است. همجوشی هسته‌ای فرایند ترکیب دو هسته سبک‌تر به یک هسته پایدار و سنگین‌تر است. در این حالت مقدار زیادی انرژی نیز آزاد می‌شود. انرژی تولید شده ناشی از همجوشی بسیار زیاد است. در فرایند همجوشی هسته‌ای، هسته‌های سبک مانند هیدروژن، دوتریوم و تریتیوم با یکدیگر جوش داده می‌شوند و هسته‌های سنگین‌تر و مقداری انرژی تولید می‌شود. فرآیندهای همجوشی به سوخت و یک محیط با دمای مشخص، فشار و ابعاد کافی نیاز دارند تا بتوانند پلاسمایی ایجاد کنند که در آن همجوشی انجام شود. به نظر می‌رسد مدل رفتاری جنبش‌های اسلامی شیعی در عراق (N₁, N₂, ...) که در حالت طبیعی از هم گسسته بوده و در حالت فیژنی یا شکاف به سر می‌برند، در وضعیتی که شرایط لازم یا متغیرهای مداخله‌گری چون فشار عامل خارج از دایره مذهب تشیع و پیروان آن و فشارهای داخلی ناشی از اجرای قوانین سخت‌گیرانه نسبت به خدمت اجباری، سختی معیشتی و عواملی از این دست

(SFC)^۱، در کنار نقش آفرینی مرجعیت اعلای شیعیان وجود داشته باشد (FP)، نیروی لازم را به منظور همجواری گروه‌ها و جنبش‌های مختلف برای مبارزه به منظور تغییر وضع موجود فراهم می‌آورد.



***فرمول الگوی رفتاری جنبش‌های سیاسی شیعیان عراق در حالت**

چنان‌که پیش‌تر در ذکر تاریخ نهضت سیاسی شیعیان در عراق از ۱۹۱۴ م. تا عصر حاضر اشاره گردید، حضور عامل خارجی و تهدید آن علیه حاکمیت عراق همواره موجب خروش جنبش‌های شیعی در این کشور گردیده است. در سال ۱۹۱۴ م. اشغال بصره توسط انگلیسی‌ها و تلاش برای تسخیر تمامی خاک عراق نخستین نهضت‌های سیاسی را در این کشور بوجود آورد. جنبش‌هایی همچون «حرس الاستقلال» که به بحث لزوم مقابله با حکومت غیرمسلمانان بر مسلمانان تأکید داشتند نمونه‌ای از آن به شما می‌رود. از سوی دیگر با توجه به ساختار فرقه‌ای و گروهی عراقی‌ها و حضور عشیره‌ها و قبایل مختلف در ساخت اجتماعی آن، مذهب شیعه ظرفیت مهمی در اتحاد ایشان به شمار می‌رود؛ اما باز هم فرقه‌گرایی حاکمه بر ساخت اجتماعی عراق امکان اتحاد در ذیل بیرق مذهب را ناممکن می‌ساخت. از این رو نقش آفرینی مرجعیت اعلای شیعیان در حوادث مختلف و مقابله با بحران‌های سیاسی انکارناپذیر است. حضور مهدی الحیدری و ورود آیت‌الله محمد سعید الحبوبی در سال ۱۹۱۴ م. در شکل‌گیری جبهه مجاهدین علیه اشغالگران غیرقابل انکار است. همان‌طور که ویلی (۱۳۷۲) اشاره کرده است آیت‌الله الحبوبی به هر شهری که سفر می‌کرد عده زیادی به حرکت وی برای مقابله با انگلیسی‌ها ملحق می‌شدند. همین موضوع باعث شکل‌گیری سه جبهه مختلف به منظور مقابله با اشغالگران توسط آیت‌الله الحیدری، الحبوبی و شیخ محمد الخالصی گردید. از سوی دیگر در همین برهه زمانی فشارهای وارده از سوی دولت عثمانی و اجرای قوانینی چون خدمت اجباری سربازی و افزایش مالیات‌ها که رفاه عراقی‌ها را تحت الشعاع قرار می‌داد موجب ورود علما و شکل‌گیری حرکتی برای بیرون‌راندن عاملان حکومت عثمانی از شهرهای مختلفی چون کربلا، حله و نجف گردید؛ بنابراین شرایط محیطی متأثر از فشار نیروی خارجی انگلستان یا فشار داخلی نیروهای داخلی موجب اتحاد گروه‌های مختلف شیعی در کنار هم گردید و وضعیت رفتاری آن‌ها را طبق

^۱Suitable environmental conditions

الگوی مذکور در حالت فیوژنی یا همجوشی قرار داد. در جریان انقلاب ۱۹۲۰ م. نجف انگلستان که پس از تسخیر بغداد کنترل تمامی عراق را در دست گرفته بود و ابتدا با وعده حکومت موقت خویش توانسته بود شیعیان و علما را راضی نماید، با برگزاری رفراندوم ۱۹۱۹ م. و آشکار شدن نیاتش مبنی بر تسلط کامل بر عراق با مخالفت علما و شیعیان در عراق روبه‌رو گردید. از سویی ورود آیت‌الله محمدتقی شیرازی باعث اتحاد گروه‌های مختلف شیعیان شده که در نهایت در سال ۱۹۲۰ م. به انقلاب نجف یا ثورة العشرتین انجامید. فتوای آیت‌الله شیرازی مبنی بر وجوب جهاد علیه اشغالگران عامل مهمی جهت بسیج مردم عراق علیه انگلیسی‌ها بود و علمای دیگری چون آیت‌الله کاشانی و حکیم را با خود به‌منظور مقابله با دشمنان و جهاد، با این حرکت انقلابی متحد و همراه ساخت و حالت همجوشی را بوجود آورد. پس از ۱۹۲۰ م. و روی کار آمدن ملک فیصل اول و کودتاهای مختلف در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ م. و کناره‌گیری علما از سیاست در کنار آموزش نوین و تلاش برای جایگزینی آن به جای آموزش سنتی و حوزوی شاهد گسترش و نفوذ کمونیسم و ناسیونالیسم عرب در اقصای مختلف عراقی خصوصاً جوانان و دانشگاهیان هستیم که موج جدیدی از مبارزات شیعیان علیه وضع نامطلوب موجود در عراق بوجود آورد. ورود امثال آیت‌الله محمدباقر صدر و سایر علمای برجسته به این موضوع در دهه ۱۹۶۰ با اتحاد مجدد شیعیان و گروه‌های مختلف همراه شد و موجب وارد آمدن فشارهای بسیار بر دولت عبدالسلام عارف گردیده و وی را در انجام اصلاحاتش متوقف ساخت و مرحله جدیدی در تاریخ این نهضت‌های سیاسی بوجود آورد.

در جریان انتفاضة شعبانیه و پیش از آن در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ م. علیه دولت بعثی و حکومت دیکتاتوری صدام حسین که فشارها و سرکوب شدید شیعیان در کنار فراهم آمدن شرایط محیطی مناسب مانند ضعف دولت بعثی در پی شکست در جریان حمله به کویت، وضعیت بد معیشتی عراقی‌ها در پی جنگ‌های متعدد و ضعف زیرساختی، بار دیگر شاهد اتحاد و همجوشی گروه‌های متحد شیعی با ورود علمای شیعی و مرجعیت اعلی یعنی آیت‌الله خوئی به ماجرا هستیم که حرکت انتفاضة شعبانیه به راه افتاد. در جریان شکل‌گیری گروه تروریستی-تکفیری داعش و گسترش قدرت آن به شهرهایی چون سامرا و نینوا و موصل، این عامل خارج از مذهب شیعه، به اتحاد احزاب و گروه‌های مختلف شیعیان با یکدیگر منجر شد و با ورود مرجعیت اعلای عراق یعنی آیت‌الله سیستانی به ماجرا و صدور فتوای ایشان مبنی بر جهاد علیه داعش به شکل‌گیری «الحشد الشعبی» و بسیج مردمی عراق انجامید و در نهایت در کنار سایر عوامل، موجب توفیق یافتن آن‌ها بر بحران داعش شد که این دوره اوج همجوشی و رفتار فیوژنی نهضت‌های سیاسی شیعیان در عراق به حساب می‌آید. از سوی دیگر در دوره‌های ثبات و پساپیروزی، عوامل زیادی، همجوشی و اتحاد این جنبش‌ها را از بین برده و رفتار آن‌ها را در حالت شکاف یا فیژنی قرار می‌دهد. مهم‌ترین نیروهایی که منجر به این شکاف می‌شوند را می‌توان اختلافات عشیره‌ای، اختلاف نظرهای

سیاسی، در خطر قرار گرفتن معیشت و رفاه عمومی ذکر کرد. ماهیت فرقه‌گرایانه ساخت اجتماعی عراق همواره تعدد گروه‌های سیاسی در این کشور را در برداشته و باعث عدم استمرار نهضت سیاسی شیعیان در عراق گردیده است و وضعیت طبیعی‌ای را شکل داده که در آن همواره، جنبش‌های سیاسی در حالت شکاف یا رفتار فیژنی قرار گیرند. در جریان‌ات سال ۱۹۱۴ م. و قیام علیه اشغالگران که با در دست گرفتن حکومت شهرهای مذهبی همراه شد اختلافات شدید میان چند تن از عشیره‌های ساکن در شهر به درگیری‌های خونینی انجامید که باعث کشته‌شدن تعداد زیادی در جریان این اختلافات گردید. همچنین کم‌رنگ شدن نقش علمای اعلا، در سیاست پس از پیروزی و هم‌زمان با آن محاصره شهر نجف منجر به سخت شدن اوضاع معیشت مردم گردیده و در نهایت با شکاف‌های شکل گرفته میان اقشار مختلف مردم این حرکت از هم فروپاشید. پس از تسلط انقلابیون و مجاهدین شیعی در انقلاب ۱۹۲۰ م. نجف تا زمان وفات آیت‌الله محمدتقی شیرازی شاهد همجوشی اقشار مختلف شیعی در این حرکت هستیم؛ اما پس از وفات وی اختلافاتی بین علمای شیعی بوجود آمد که مهم‌ترین آن‌ها مذاکره یا عدم مذاکره با انگلیسی‌ها بود که همین دودستگی در کنار محاصره مجدد نجف توسط نیروهای انگلیسی و حملات سنگین با ابزارهای پیشرفته‌تر نظامی، در جهت فروپاشی اتحاد و شکاف و در نهایت تسلیم مجاهدین در مقابل انگلیسی‌ها پس از پنج ماه، نقش مهمی را به همراه داشت. در جریان مقابله با کمونیست‌ها و ناسیونالیست‌های عرب و سیاست‌های سوسیالیستی و سنت شکنانه دولت عبدالسلام عارف در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ م.، دوری گزیدن علما از سیاست اثر مهمی در شکاف و واگرایی جنبش‌های سیاسی شیعی گذارد که در نهایت گسترش عقاید مذکور را در سطح جامعه عراق به همراه داشت. کمی بعد از حرکت آیت‌الله محمدباقر صدر برای مقابله با این جریان‌ات، وی توسط برخی علمای نجف به داشتن عقاید مشرکانه متهم گردید که اختلافات زیادی را بین گروه‌های مختلف شیعی بوجود آورد و الگوی رفتاری ایشان را در حالت شکاف مجدد یا فیژن قرار داد. در انتفاضه شعبانیه در ۱۹۹۱ م. نیز پس از توفیق مجاهدین در به دست گرفتن کنترل شهرهای عراق سرکوب شدید نظامی و استفاده ارتش بعثی از نیروی هوایی و همچنین بروز اختلافات و چنددستگی میان علما و دست‌اندرکاران این جنبش، شکاف را در میان ایشان بوجود آورد و حرکت به شکست انجامید. پس از ظهور داعش در عراق و شکل‌گیری بحران این گروه تروریستی اختلافات شدید عراقی‌ها بر سر دولت نوری المالکی، و ناتوانی ایشان در برقراری امنیت، فساد و ناکارآمدی بسیار، در کنار عدم نقش‌آفرینی مرجعیت اعلا عراق در سیاست و جریان‌ات مخالف دولت نظیر جریان مقتدی صدر، شاهد عمق شکاف بین گروه‌ها و احزاب سیاسی شیعی در عراق هستیم که این رفتار فیژنی یا شکاف‌آلود منجر به ضعف اقتدار دولت مرکزی شده و بحران داعش آسیب‌های فراوانی را به عراق وارد آورد. پس از سرنگونی حکومت داعش و بازگشت ثبات به عراق، مجدد اختلافات و شکاف‌هایی که با ظهور داعش و مقابله با آن تبدیل به همجوشی شده بود

سر باز کرد و در جریانات سال ۲۰۱۹ م. که در اعتراض به فساد و ناکارآمدی دولت از یک سوی و همچنین اعتراض به مداخلات کشورهای خارجی در عراق از سوی دیگر شکل گرفته بود، منجر به ورود آیت‌الله سیستانی به مسئله و استعفای دولت عادل عبدالمهدی گردد. بنابراین، الگوی رفتاری نهضت سیاسی شیعیان در عراق را می‌توان آمیخته‌ای از وضعیت فیژنی یا شکاف در حالت طبیعی و ثبات در برابر وضعیت فیژنی یا همجوشی برای مقابله با بحران‌های مختلف تلقی نمود.

نتیجه‌گیری

پس از وقوع جنگ جهانی اول و شکل‌گیری اولین حرکات گروه‌ها و جنبش‌های سیاسی شیعی در عراق، شاهد بروز دوره‌های مختلفی از بحران در این کشور هستیم که یا دارای ریشه‌های بیرونی مانند استعمار انگلستان بوده و یا ریشه‌های داخلی مانند دیکتاتوری صدام داشته‌اند. جنبش‌های سیاسی شیعی در مواجهه با این بحران‌ها همواره از الگوی رفتاری خاصی پیروی کرده‌اند.

پس از وقوع جنگ جهانی اول و شکل‌گیری اولین حرکات گروه‌ها و جنبش‌های سیاسی شیعی در عراق، شاهد بروز دوره‌های مختلفی از بحران در این کشور هستیم که یا دارای ریشه‌های بیرونی مانند استعمار انگلستان بوده و یا ریشه‌های داخلی مانند دیکتاتوری صدام داشته‌اند. جنبش‌های سیاسی شیعی در مواجهه با این بحران‌ها همواره از الگوی رفتاری خاصی پیروی کرده‌اند.

در این مقاله با مراجعه به تاریخ این جنبش‌ها تلاش گردید تا همسانی‌های رفتاری آن‌ها در برهه‌های مختلف تاریخی کشف گردیده و الگویی از رفتار آن‌ها ارائه گردد. در وضعیت ثبات و در حالت طبیعی این جنبش‌ها در حالت عدم یکپارچگی و شکاف قرار داشته که در کنار عواملی همچون کناره‌گیری علما از سیاست، اختلافات عشیره‌ای و فرقه‌ای، مسائل مربوط به رفاه اقتصادی و معیشت عمومی این جنبش‌ها را در حالت واگرایی از یکدیگر قرار داده و الگوی رفتار فیژنی یا شکاف را در بین آن‌ها برقرار ساخته است. بالعکس در حالت مواجهه با بحران خارجی یا داخلی و با ورود مرجعیت اعلای شیعیان به ماجرا در جهت حل بحران و مقابله با تهدیدات، الگوی رفتاری این جنبش‌ها در حالت فیژنی یا همجوشی قرار می‌گیرد که نقش مهمی در توفیق آن‌ها، جهت مقابله با بحران‌ها ایفا می‌کند؛ بنابراین چرخه‌ای از الگوی رفتاری فیژنی یا شکاف و الگوی رفتاری فیژنی یا همجوشی در این جنبش‌ها به چشم می‌خورد که با خود، عدم به‌ثمر رسیدن نهضت اسلامی شیعیان در عراق، بی‌ثباتی سیاسی دائمی و ظهور و بروز بحران‌های دائمی در این کشور را در پی دارد. در نتیجه پیروی از چنین الگویی همواره ترکیبی از جنگ داخلی، بی‌ثباتی، شکست دولت و ضعف نیروهای مدنی در عراق وجود داشته که مانع دستیابی این کشور به اهداف بالاتری نظیر توسعه، حکمرانی خوبی، رفاه و بهروزی عمومی و... شده است. آن چه که برای

استمرار و جلوگیری از نابودی این جنبش‌ها وجود دارد، لزوم اتحاد حول محور رهبری واحد با هدفی مشخص و بلندمدت است. این درحالی است که در اکثر جنبش‌های اسلامی شیعیان عراق شاهد وجود چنین مواردی نیستیم و عمر این جنبش‌ها بلافاصله پس از نابودی وضع نامطلوب ناشی حضور عامل خارجی نظیر نیروهای بیگانه، گروه‌های تروریستی-تکفیری و نظم پیشین به پایان می‌رسد و عملاً برنامه‌ای توسط آن‌ها برای شکل دادن به نظم جدید ارائه نمی‌گردد. پس اتحاد این جنبش‌ها برای تغییر و وجود آمدن نوعی انسجام در عراق نیازمند رهبری واحدی است که می‌تواند یک شخص یا یک شورا باشد. عدم کناره‌گیری علمای شیعی و پیشوایان فکری جنبش پس از پیروزی، سازمان‌یافتگی بیشتر جنبش‌ها در میان اقشار مختلف جامعه عراق، وجود برنامه‌ای مدون و مورد توافق و ترسیم اهداف بلندمدت و از همه مهمتر تدوین میثاق‌نامه‌ای پیش از شروع حرکت و ترسیم روابط قدرت در دوران موفقیت در حل بحران، مجموعه عواملی هستند که می‌توانند مانع از فروپاشی سریع جنبش پس از پیروزی و ماه عسل انقلابی شوند و بر تداوم آن بیفزایند. همچنین عوامل خارجی که از آن‌ها نام برده شد می‌تواند به انسجام و اتحاد هر چه بیشتر جنبش‌ها و ملت عراق کمک نماید و توانایی آن‌ها را در مقابله با این عوامل خارجی افزایش دهد.

منابع

- آرمستو، فیلیپه فرناندس (۱۴۰۰). تاریخ جهان، ترجمه: شهریانو منصوری، تهران: نشر ققنوس.
- احمدی، حمید (۱۳۹۳). سیر تحول جنبش‌های اسلامی از نهضت سلفیه سید جمال تا بیداری اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- افشون، تورج (۱۳۹۵). حزب الدعوه و آمریکا؛ تعامل یا تقابل. مجله مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۶۸ (۱۷)، صص: ۷۳-۱۱۴.
- برینتون، کرین (۱۳۹۰). کالبدشکافی چهار انقلاب، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر زریاب.
- بهنش، حسین (۱۳۹۷). بررسی زمینه‌های جامعه‌شناختی شکل‌گیری و قدرت‌یابی گروه سلفی-تکفیری داعش در عراق (۲۰۱۴-۲۰۰۳)، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، ۱۴ (۷)، صص: ۶۱-۸۳.
- تبرائیان، صفالدین (۱۳۷۶). قیام نجف علیه انگلیس (۱۳۳۶ ه.ق. ۱۹۱۸ م.) و تکوین «جمعیت نهضت اسلامی». تاریخ معاصر ایران، ۱ (۱)، صص: ۹-۴۹.
- تیلور، آلن جان پرسبیوال (۱۳۹۹). جنگ جهانی اول، ترجمه: بهرام فرداد امینی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

حاجی حسینی، امیرمحمد، حسین‌زاده، علیرضا (۱۳۹۷). شکنندگی دولت و نابسامانی جامعه در عراق؛ بستری برای بحران امنیتی ظهور و گسترش داعش. مجله آفاق امنیت، ۳۸ (۱۱)، صص: ۳۵-۶۷.

حائری قزوینی، سید یاسر (۱۳۹۰). نجف و انتفاضة شعبانیه ۱۹۹۱ میلادی. مجله فرهنگ زیارت، ۶ (۳)، صص: ۵۰-۶۱.

حلی، ولید (۱۳۹۳). روزشمار انتفاضة شعبانیه، ترجمه: محمد حسین خوشنویس، فرهنگ زیارت، ۲۱ (۵)، صص: ۱۱۷-۱۳۰.

الرهیمی، عبدالحلیم (۱۳۷۵). تاریخ حرکت اسلامی در عراق، ترجمه: محمد نبی ابراهیمی، تهران: حوزه هنری تبلیغات اسلامی.

ستوده، محمد، بدرآبادی، همت (۱۳۹۷). بررسی ابعاد بی‌ثباتی سیاسی در عراق جدید: نقش گروه‌های خصوصی و عمومی در خشونت‌های قومی-مذهبی. مجله علوم سیاسی (باقرالعلوم)، ۸۴ (۲۱)، صص: ۶۴-۹۲.

صادقی تهرانی، محمد (۱۳۵۸). انقلاب اسلامی ۱۹۲۰ م. عراق و نقش علمای مجاهد در آن، قم: انتشارات دارالفکر.

عوض‌زاده، مجید (۱۴۰۱). همجویشی هسته‌ای به زبان ساده، پایگاه فرادرس، <https://blog.faradars.org>.

فرامکین، دیوید (۱۳۹۹). صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد، ترجمه: حسن افشار، تهران: نشر ماهی.

گلدستون، جک (۱۳۹۲). مطالعات نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.

مرادی حقیقی، فائزه، ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۸). «نقش آمریکا در شکل‌گیری گروه تکفیری دولت اسلامی عراق و شام (داعش)». فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، ۱۶، صص: ۷-۳۶، <https://www.doi.org/20.1001.1.23225645.1398.8.2.1.9>.

مقدم‌فر، عطالله (۱۳۹۷). بررسی دلایل ایجاد و تداوم بحران در عراق با تأکید بر پیشینه ظهور داعش. مجله سیاست دفاعی، ۱۰۲ (۲۶)، صص: ۱۳۹-۱۶۷.

نفیس، عبدالله فهد (۱۳۶۴). نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق عراق، ترجمه: کاظم چایچیان، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.

ویلی، جوئیس آن (۱۳۷۲). نهضت سیاسی شیعیان در عراق، ترجمه: مهوش غلامی، تهران: انتشارات اطلاعات.

Oakeshott, M. (1967). Rationalism in politics and other essays, London: Methuen.